

استدلال یا سفسطه: مطالعه رتوریک نطق‌های موافق و مخالف نمایندگان مجلس شورای اسلامی

تینا چهارسوقی امین^۱، سیدعلی اصغر سلطانی^{۲*}، محمدجواد حجازی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم

۲. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم قم

۳. استادیار زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

Argumentation or Fallacy: A Rhetorical Study of For and Against Debates of the Islamic Consultative Assembly's Members

Tina Chaharsooghi Amin¹, Seyed Ali Asghar Soltani^{2*}, Mohammad Javad Hejazi³

1. Ph.D. Candidate in Linguistics, Islamic Azad University, Qom Branch

2. Associate Professor of Linguistics, Baqir al-Olum University

3. Assistant Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Qom branch

Received: 2018/11/20 Accepted: 2019/02/06

Abstract

The speech delivered by Iran Islamic Consultative Assembly Members is one of the most effective means they employ to get the MP's to approve or reject the proposals made in the parliament. One way to convince the audience in a discursive process is to resort to argumentation. If argumentation, as a key point in the rhetoric to achieve the highest degree of persuasion, deviates from the path of reasoning, recourse will be made to fallacy. This study examined persuasive topoi in the for and against speeches delivered during parliamentary proposal review and vote of confidence sessions for the proposed cabinet of Iran twelfth government. To this end, instances of robust arguments replaced by fallacies were identified by means of rhetorical sophistications. The findings show that although the use of such devices as magnifying, minimizing, highlighting, and marginalizing may lead to the initial and immediate persuasion of the audience, this would not guarantee the eligibility of the ministers who win parliament's approval during the vote of confidence process.

Keywords: sociolinguistics, argumentation, fallacy, persuasive topoi, Iran parliamentary rhetoric.

چکیده

نطق نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، یکی از امور موثر در اقناع نمایندگان به منظور دستیابی به نظرات همسو در موافقت یا مخالفت با موارد مطرح شده در صحن است. یکی از روش‌های متقاعد ساختن مخاطبان در یک فرایند گفتمانی، توسل جستن به استدلال است. چنانچه در فرایند استدلال‌سازی، که یکی از نکات کلیدی در رتوریک است، به منظور دستیابی به بیشینه اقناع انحرافی در یکی از ارکان استدلال صورت گیرد، آنچه موجب اقناع می‌شود سفسطه خواهد بود. در این پژوهش به منظور واکاوی ساخت‌های اقناعی در نطق‌های مخالف و موافق در طرح بررسی برنامه و رأی اعتماد به کابینه پیشنهادی دولت دوازدهم، مغلطه‌هایی که جایگزین استدلال‌های رسمی شده‌اند از نطق‌های نمایندگان تقطیع شده، از طریق روش تحلیل رتوریک مغلطات، مواضع اقناعی در بستر گفتمان مجلس شورای اسلامی بررسی شده است. باتوجه به آنچه از نتایج بررسی‌ها برمی‌آید، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی‌هایی که در نتیجه کاربرد مغلطات صورت می‌گیرد، شاید منجر به اقناع لحظه‌ای و اولیه مخاطبان شوند؛ اما این اقناع تضمین‌کننده کارایی و کفایت افرادی که از گذرگاه رأی اعتماد عبور می‌کنند نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، استدلال‌سازی، سفسطه، مواضع اقناعی، رتوریک پارلمانی ایران.

مقدمه

استدلال‌سازی تلاشی در جهت متقاعدسازی است. ابعاد و اشکال مختلف استدلال‌سازی‌پذیر در زبانی ضروری است. استدلال‌سازی با ویژگی غیر رسمی بودن و دلیل تراشی غیرتحمیلی، در مقایسه با دلیل تراشی منطقی، که لزوماً سخت و بدون جذابیت است، شناخته می‌شود. دلیل و برهان با دنبال کردن قواعد ریاضی‌گونه منطقی هیچ جایی برای مخالفت احتمالی باقی نمی‌گذارد و نمی‌توان صدق و درستی حقایق ریاضی را انکار کرد. اما انکار درستی استدلال‌ها شدنی است.

«سفسطه^۱» نوعی خطای فاحش است که قدرت دلیل و برهان موجود در استدلال را با انحراف آن در مسیری دیگر تضعیف می‌کند. یک استدلال سفسطه‌آمیز، استدلالی است که به نظر معتبر می‌رسد، در حالی که چنین نیست. از سوی دیگر، مواضع ساخت‌های اقناعی^۲ به عنوان یک اصطلاح جدید در بررسی سفسطه‌ها، شامل مجموعه‌ای از موقعیت‌ها یا مکان‌هایی است که از استدلال‌ها به طور معمول استفاده می‌شود؛ به نوعی تقسیم‌بندی موضوعی و موقعیتی به کارگیری استدلال‌ها، تا از این طریق رسیدن به استدلال اقناعی خاصی، در موقعیتی خاص، سهل‌تر شود.

این پژوهش نگاهی اجمالی به تعاریف اولیه استدلال و چگونگی تبدیل یک استدلال به مغلطه دارد. سپس مجموعه‌آثاری که از رویکرد سنتی تا عصر حاضر به کاربرد این مغالطات و دسته‌بندی‌های آنان پرداخته‌اند بررسی و از میان تمامی آن‌ها یک دسته‌بندی اساسی از سفسطه‌ها، با توجه به ظرفیت‌های زبان فارسی، معرفی می‌شود. سپس قریب به شصت استدلال متداول در زبان فارسی ۵ گروه کیفی با تعاریفی مشخص بخش‌بندی می‌شود. در نهایت این شاخص‌ها در بستر مذاکرات مجلس شورای اسلامی با نگاه موضوعی به مذاکرات صورت گرفته برای بررسی برنامه کابینه پیشنهادی رئیس‌جمهور، در مرداد ۱۳۹۶، استخراج می‌شوند.

این مذاکرات به تذکراتی ارائه شده توسط نمایندگان، نطق‌های مخالفین و موافقین برنامه ارائه شده توسط رئیس‌جمهور و نطق‌های موافقین و مخالفین برای یک به یک وزرای پیشنهادی به عنوان اعضای کابینه دولت دوازدهم، تقسیم‌بندی می‌شود. از آنجا که در چنین بافتی،

استدلال‌های برهانی و ریاضی‌گونه جایی برای قدرت‌نمایی ندارند، ناطقین برای اقناع مخاطبان، عامدانه یا ناخودآگاه، به مواضع دارای ساخت اقناعی یا همان سفسطه توسل می‌جویند. به همین منظور به سنجش این مهم پرداخته می‌شود که در هر دسته از تذکرات، موافقت‌ها و مخالفت‌ها چه سفسطه‌های اقناع‌کننده‌ای جایگزین استدلال‌های بدون کاربرد شده و ناطق برای اقناع مخاطبان همسو با سخنان خود، از کدام دسته کیفی از مغلطه‌ها بهره می‌جویند. در نهایت با این شفاف‌سازی، تعدادی از سفسطه‌های متداول و پرکاربرد در بستر گفتمان مذکور در مجلس شورای اسلامی را که دارای بسامد استفاده در این حوزه هستند معرفی می‌شود. پاسخگویی به این مسئله که مواضع اقناعی در گفتمان مجلس شورای اسلامی چیست و نطق‌های نمایندگان تا چه میزان از ابزار اقناع سفسطه‌آمیز در دستیابی به اهداف خود توسل می‌جویند، دغدغه این پژوهش است.

پیشینه پژوهش

به‌طور کلی با به وجود آمدن نهادی مانند پارلمان‌ها در جهان و لزوم بررسی و دقت در چگونگی سازوکار این نهادها، مطالعات پارلمانی جایگاه ویژه‌ای پیدا کردند. گستره اصلی این مطالعات از چگونگی تشکیل و ساختار اصلی این نهاد تا بررسی موردی قوانین از یک سو و از سوی دیگر از مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای بین پارلمان‌ها تا تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر و میزان موثر واقع شدن مذهب در روند قانون‌گذاری آن‌ها، گسترده شده‌است. این حیطه وسیع در عین دربرگیرنده بودن مطالعاتی موازی و دارای هم‌پوشی، در موارد بسیاری نیز با کمبود بررسی و لزوم مطالعه مواجه است. عدم وجود مطالعات پارلمانی‌کافی و کارآمد در باب تحلیل گفتمان، رتوریک، خطابه‌سنجی و مطالعات استدلال‌سازی لزوم انجام مطالعه پیش رو را ایجاد نموده‌است.

از جهات مختلفی می‌توان به مطالعات صورت گرفته در باب پارلمان‌ها نگریست: پژوهش‌های حقوقی، توصیف ساختارها و سازوکار اجرایی آن‌ها، مطالعات انتقادی یا تطبیقی نسبت به عملکرد پارلمان‌ها، پژوهش‌های داخلی یا خارجی. در این راستا، برخی از مطالعات حائز توجه از این قرارند: جونز^۳ (۱۹۹۴) به تعریف جایگاه و وظایف ریاست جمهوری و

1. fallacies
2. topics (topoi)

3. Jones

با توجه به اهمیت استدلال‌سازی در رتوریک پارلمانی و شفاف‌سازی چپستی استدلال و مغلطه، بررسی تعاریف اولیه این مفاهیم اهمیت به‌سزایی دارد. استدلال‌سازی^۳ یک امر صرفاً ذهنی یا بیانی نیست. یعنی هم تأمین گزاره‌هایی که پاسخی درخور بوده و هم بیان آن‌ها به گونه‌ای اقناع‌کننده.

منطق یعنی ارزیابی این گزاره‌ها؛^۴ که آن هم با سه رویکرد مختلف انجام می‌شود: (۱) نحوی: بررسی اینکه چه چیزی در زبان‌های طبیعی انسانی مشابه متغیرهای آماری و ریاضی است. (۲) معنایی: چه چیزی و چرا صدق یا کذب توصیف می‌شود. (۳) کاربردی: چه چیزی و چگونه موضوع افعال شناختی است. پسمی‌توان آن‌ها را از منظر این سه رویکرد یعنی وجود یا عدم وجود رابطه طبیعی، صدق و کذب و اقناع‌پذیری آن‌ها بررسی کرد (هاک، ۱۳۸۲: ۴۱).

یکی از تعاریف اولیه سفسطه، که همبلین^۵ (به نقل از تیندال، ۲۰۰۷: ۲) از مکتب ارسطو آن را نقل کرده، این است که «یک استدلال سفسطه‌آمیز، استدلالی است که به نظر معتبر می‌رسد، در حالی که چنین نیست.» با دریافت این نکته که سفسطه اشتباهاتی فاحش در دلیل‌سازی است، ارسطو اولین شخصی بود که آن‌ها را در لیستی نظام‌مند تقسیم‌بندی کرد. ارسطو آن‌ها را پیرو روش دیالکتیک سوفسطائیان، «سفسطه» نامید. شش مورد اولیه این لیست سیزده‌تایی مربوط به صورت‌بندی استفاده از زبان است: ابهام هم‌ارزی^۶، کژتابی یا ابهام ساختاری^۷، تجمیع نابجا، تقسیم کل به کلمات، تاکید لفظی و صورت‌بیان^۸. مابقی موارد سفسطه‌ها در خارج از حوزه زبان جای می‌گیرند: عرض عام، تخصیص امر تصادفی، تالی^۹، علت غیر، مصادره به مطلوب، تجاهل‌المطلوب (به بیراهه کشاندن بحث) و سوال مرکب^{۱۰} (تیندال، ۲۰۰۷: ۶-۷).

در مبحث استدلال، ارسطو تاپیک یا موضع ساخت‌های اقناعی را به عنوان یک اصطلاح ارائه داد که خود شامل مجموعه‌ای از موقعیت‌ها یا مکان‌هایی است که از استدلال‌ها به طور معمول استفاده می‌شود؛ به نوعی تقسیم‌بندی موضوعی و موقعیتی به‌کارگیری استدلال‌ها، تا از این طریق

پارلمان در کشورهایی که نظام سیاسی‌شان مبتنی بر تفکیک قواست می‌پردازد. میرکل^۱ (۱۹۹۸) با مطالعه موازی ساختار قوای مقننه، به ارزش‌گذاری بین نقاط قوت و ضعف آن‌ها پرداخته و در کشورهای تابع نظام دموکراسی که بر بنیان رأی‌گیری و انتخابات استوار است، محدودیت‌های نظام قانون‌گذاری را بازشناخته است. مزی^۲ (۱۹۹۸) به تفاوت‌های قوه مجریه و مقننه پرداخته است و تاثیر احزاب سیاسی را بر روابط حاکم میان این دو قوه بررسی نموده است.

باقری (۱۳۸۶) به سیر تاریخی قانون‌گذاری در اسلام با توجه به اینکه این عملکرد در نظر فقهای اهل تشیع از بستر شریعت ناشی می‌شود، پرداخته است. شجاعی (۱۳۸۹) قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور را از منظر شرعی و عقلی و فقهی مورد بررسی قرار می‌دهد. سیمیری (۱۳۸۲) به تبیین نقش فناوری‌های اطلاعاتی در تقویت دموکراسی نمایندگی می‌پردازد و راسخ (۱۳۸۲) یکی از راه‌های ارتباطی نمایندگان مردم در مجلس با اطلاعات جدید داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را مراکز تحقیقاتی و کتابخانه‌ای می‌داند که مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی و حتی آموزش بیرونی این محیط را برعهده دارند. مرادی و مقصودی (۱۳۸۴) نگاهی بین‌المللی به فرآیند ارتباطی بین پارلمان‌های جهان داشته‌اند و طی این رویکرد به بررسی سازوکار گروه‌های دوستی پارلمانی پرداخته‌اند. داوری اردکانی در پژوهشی (۱۳۸۲) ضمن تبیین جایگاه و تفاوت طرح و لایحه در بستر مجلس، به قوانین مصوب شورای اسلامیدر خصوص آموزش عالی، طی پنج دوره قانون‌گذاری پرداخته است. ویژه و رضایی (۱۳۹۲) ضمن پژوهش در خصوص نظارت بر رفتار حرفه‌ای نمایندگان و لزوم انجام این مهم، آن را به دو دسته مالی و غیرمالی تقسیم کرده‌اند. دلاورپور (۱۳۹۵) در کاستی‌ها و راه‌های توانمندسازی دیپلماسی پارلمانی ایران، مشارکت فعال نمایندگان پارلمان را در فعالیت‌های مستقیم یا غیرمستقیم دیپلماتیک بسیار موثر می‌داند. و در نهایت میرزاحمدی (۱۳۹۴) با نگاه ویژه به متغیر اجتماعی جرم، گفتمان‌های دوره‌های مجلس دوم، ششم و هفتم را تحلیل انتقادی کرده و سیر تحول این گفتمان‌ها را به دست آورده است. تمامی این پژوهش‌ها و موارد مشابه سودمندند، اما به رتوریک پارلمانی و شیوه‌های استدلال‌سازی و اقناع در مذاکرات مجلس نمی‌پردازند.

3. Argumentation
4. Proposition
5. C.L. Hamblin
6. equivocation
7. amphiboly
8. form of expression
9. consequent
10. compound questions

1. Merkel
2. Mezey

تقسیم‌بندی استدلال‌ها از آن به عنوان طرح کلی ساخت‌های استدلالی یاد می‌کنیم. ارسطو (۱۹۳۹: ۲۰۳-۱۹۰) مواضع اقناعی را بر اساس عملکردشان در ارتباط، به ۳ حوزه اصلی تقسیم کرد: موضع دیالکتیکی (که برای ساختن استدلال در مذاکرات دیالکتیکی هدف‌گذاری شده است)؛ موضع رتوریک (برای ساختن استدلال‌های رتوریک‌ی به کار برده می‌شود) و موضوع حفظی (با عملکرد یادآوری محفوظات).

مطالعه مواضع در سده‌های اخیر با پرلن و تیتکاک قوت گرفت. آن‌ها لیست ۲۸ تایی ارسطو را به یک لیست ۱۳ تایی از الگوهای کلی کاهش داده و رویکرد جدیدی به آن‌ها بخشیده و آن لیست را الگویی از عادات ذهنی بومی‌سازی شده در بستر یک فرهنگ خاص دانستند. جایگاه‌های استدلال‌سازی از نگاه پرلن یا اجتماعی بوده یا افتراقی؛ یعنی یا از تجمع چند عنصر مختلف به وحدتی در دریافت و ارزش‌گذاری می‌رسیم یا از افتراق و جداسازی عناصر از بدنه یک مورد کلی‌تر (پرلن، ۱۹۶۹: ۱۹۰).

در بررسی پژوهش‌هایی که در آن به الگوهای استدلال‌سازی پرداخته‌اند، عبدالمی و عمل صالح (۱۳۹۱) سه متن گفتگمانی دوران قاجار را تحلیل نمودند تا دریابند که افراد پیش‌روی جریان‌های فکری، فرهنگی و کرداری متفاوت آن دوره، چگونه استدلال‌های خود را ساختار بندی می‌نمودند و سعی می‌کردند از این استدلال‌ها برای متقاعدسازی مردم بهره ببرند تا آن‌ها را هم‌رأی و همراه خود سازند. پیش‌قدم و عطاران (۱۳۹۴) نیز با مطالعه ۱۰۰ تبلیغ در مجله‌های فارسی و انگلیسی‌زبان، که در ۱۰ سال اخیر منتشر شده‌اند، دریافتند ساختار پیام در تبلیغ‌های فارسی بر ادعا استوار است در حالی که در تبلیغ‌های انگلیسی بر وجه داده‌های استدلالی تاکید شده است.

برای برخی نویسندگان^۶ تنها ناکامی فرضیه‌های یک استدلال در اثبات صدق، برای تبدیل آن استدلال به سفسطه کافی است (بلک، ۱۹۵۳: ۲۲)؛ در حالی که برخی درست یا نادرستی یک استدلال را متوجه صدق فرضیه‌های اولیه آن نمی‌دانند (سالمن، ۱۹۶۳؛ کارنی و شیر، ۱۹۶۴). یکی از موثرترین رویکردها به برهان‌سازی در فرآیند استدلال، که می‌تواند پایه‌ای برای الگوهای نوین‌تر نیز باشد، رویکرد هستینگز^۸ است. وی ۹ وجه از برهان‌سازی را (صورت

رسیدن به استدلالی خاص در موقعیتی خاص آسان‌تر صورت گیرد. این تقسیم‌بندی‌ها آن‌چنان ذهن محققین را به خود مشغول نموده است که تا سال‌های اخیر نیز در پی بررسی مجدد آن‌ها و افزایش و کاهش موارد اولیه آن هستند و هر کدام از زاویه‌ای به آن نگاه می‌کنند.

طبق نظر کین‌پوینتر^۱ (۱۹۹۲: ۲۲۷) ارسطو لیستی مشتمل بر ۳۰۰ تا ۴۰۰ موضع اقناع در استدلال را رقم زده است. از آنجا که وی هرگز در تبیین ماهیت و چیستی این مواضع شفاف‌سازی نکرده است، همواره تعریف و ماهیت اصلی آنان و خط مرز جداکننده آنان قابل پرسش بوده است. اما طبق نظر اکثر منتقدین دو استفاده از آن برمی‌آید: اولین استفاده از آن را خلق می‌نامند که طبق آن یک موضع اقناعی به‌گوینده اجازه می‌دهد تا به راحتی، در میان انواع مباحث و استدلال‌های ممکن، به دنبال استدلال مورد نظرش بگردد و از آن استفاده کند. دومین استفاده، عملکرد تضمینی آن موضع اقناعی را تأمین می‌کند. یک موضع مناسب می‌تواند استفاده از استدلال درست و بجایی را در دست یافتن به نتیجه مورد نظر تضمین کند. همانطور که از تعاریف برآمد، استفاده اول بر جنبه رتوریک و استفاده دوم بر جنبه منطقی مواضع مورد نظر تاکید دارند (همان: ۲۲۶).

ارسطو بین دو نوع استدلال منطقی و رتوریک تمایز گذاشت که اولی محلی برای تعیین صدق گزاره‌ها و دیگری محلی برای بیان فرضیات محتمل و ممکن است (بورنیات، ۱۹۹۶: ۹۸). موضع عام در اقناع^۲، قوانینی کلی هستند و طبقه کلی‌ای را نشان می‌دهند که موضع اقناعی خاصی^۳ در آن یافت می‌شود. این قوانین کلی اِندوکسا^۴ (مقدمات استدلال خطاب) نامیده می‌شوند که همانند همان دانش عمومی هستند که فرضیه‌های خاص از دل آن‌ها مشتق شده است و در واقع همان اصول پایه و ثابت اولیه هستند.

وارنیک (۲۰۰۰: ۱۲) با مقایسه آن مواضع بیان شده توسط ارسطو و آنچه بعدها به نام اسکیم^۵، الگو یا طرح کلی ساخت‌های استدلالی نام گرفت، به این مهم دست یافت که بسیاری از آن‌ها باهم یکی هستند؛ پس به عبارتی، در فرآیند استدلال‌سازی آنچه در سنت توسط ارسطو مواضع عام در اقناع نام گرفته بود، همانی است که در دیدگاه مدرن

6. Ch., Perelman & L. Tyteca
7. M. Black
8. A. Hastings

1. Kienpointner
2. common topoi
3. proper topoi
4. Endoxa
5. argument scheme

مثال‌های آنان، تعدادشان را از ۶۰ مغلطه به قریب به ۱۰۰ مغلطه افزایش می‌دهد. شیوه طبقه‌بندی مغالطات در این اثر آن را بسیار متمایز کرده‌است. در این رویکرد مغالطه‌ها به پنج دسته کلی تقسیم می‌شوند (همان: ۳۳-۳۰):

تبیین مغالطاتی: در این طیف نه تنها شخص درصدد اثبات مدعایی نیست و برای سخن خود استدلالی هم عرضه نمی‌کند، بلکه صرفاً مطلبی را مثلاً در قالب یک قضیه ساده بیان می‌کند که در بیان آن دچار مغلطه می‌شود.

ادعای بدون استدلال: گاهی در یک گفتار یا یک نوشتار شاهدیم که شخص، در تایید یا رد مدعایی، مطلبی می‌گوید، ولی برای سخن خود دلیل ندارد یا دلیل وی برای اثبات مدعایش کافی نیست؛ در چنین مواردی اگر شخص به جای عرضه استدلال منطقی از ترفندهایی استفاده کند که مدعای خود را مستدل نشان دهد و آن را به مخاطبان بقبولاند، مرتکب این دست از مغالطات شده است.

مغالطات مقام نقد: در این دسته شخص در مقام نقد سخن فرد دیگر قرار می‌گیرد؛ یعنی، سخنی را نادرست می‌داند، اما نمی‌تواند از راه منطقی و با دلیل معقول، نادرستی آن سخن را نشان دهد، لذا متوسل به حيله‌ای می‌شود تا از آن طریق مدعای مورد بحث را غلط جلوه دهد و یا دست کم از میزان تاثیرگذاری و مقبولیت آن بکاهد.

مغالطات مقام دفاع: پس از نقد، طبیعی است که گوینده درصدد دفاع و پاسخ‌گویی به اعتراضات برآید؛ البته در این موضع و مقام، شخص هم می‌تواند با رعایت اصول اخلاقی و در چهارچوب قواعد منطقی و معقول به پاسخ‌گویی بپردازد و هم ممکن است با کنار گذاشتن این اصول و قواعد و با استفاده از ترفندها و حيله‌هایی سعی در توجیه اشکالات و نقاط ضعف سخن اول خود و سرپوش نهادن بر جنبه‌های نادرست آن داشته باشد.

مغالطه در مقام استدلال یا مجموع مغالطات صوری، مغالطات ناشی از یک پیش‌فرض نادرست و مغالطات ربطی: این دسته از مغالطات برخلاف دسته‌های پیشین مربوط به مواردی است که در فرایند استدلال به معنای منطقی آن، یعنی در سیر از مقدمات به نتیجه، شاهد لغزش و ارتکاب مغالطه‌ای هستیم. اهمیت این دسته از مغالطات به قدری است که بسیاری از منطقدانان، مغالطه را استدلال غیرمعتبر تعریف کرده‌اند. اهمیت دیگر این دسته از مغالطات آن است که هم در مقام

تقلیل‌شده لیست‌های پیشین) به سه طبقه تقسیم نمود: اولی شامل فرایندهای کلامی و معنایی؛ دومی شامل روابط علی و سومی استدلال‌هایی که یا پیامدهای کلامی را حمایت می‌کنند یا علی را (هستینگز، ۱۹۶۳، ۱۳۹). در واقع می‌توان ۶۵ الگوی کلی که در والتون (۲۰۰۸) وجود دارد و امروزه پایه مطالعاتی استدلال‌سازی را برای تمامی محققین هموار نموده است از همین طرح‌های کلی کین‌پوینتر بدانیم.

یکی از راه‌های سفسطه‌آمیز که بعدها توسط وناصرون و گروتندروست (۲۰۰۴، ۱۹۹۲، ۱۹۸۴) پیش کشیده شد پراگمادیالکتیک^۱ نام گرفت که در آن مجادله‌کنندگان سعی می‌کنند در شفاف‌سازی هدفشان برای سایر رقبا مانع ایجاد کنند و یا اینکه بحث را از مسیر اصلی خود خارج کنند.

در نهایت جدیدترین بررسی‌های مربوط به اسکیم را می‌توان دسته‌بندی والتون و ماکاگو (۲۰۱۵) دانست. آن‌ها پنج راه را برای دسته‌بندی الگویی استدلال‌ها معتبر دانستند: مبتنی بر فرض، بر حسب طبقه کلی و عمومی، توجه به ذات نتایج، براساس قدرت، براساس عملکرد دیالکتیکی (۲۰۱۵: ۱۰-۹).

با بررسی تمامی شیوه‌های پردازش اسکیم‌ها در می‌یابیم که آنچه اهمیت دارد توجه به بافتی مخصوص به مثابه پایگاه داده‌های اولیه، استخراج صحیح استدلال‌های به‌کاررفته در آن و سپس دسته‌بندی و انتصاب الگو به آن‌ها است؛ تا به این طریق دریابیم که در بافت موقعیتی خاص چه نوع اسکیم‌هایی وجود دارد و اینکه هر اسکیم، شامل چه استدلال‌هایی است.

چارچوب نظری

در میان تمامی آثاری که به دسته‌بندی استدلال‌ها و مغلطه‌ها پرداختند، خندان (۱۳۸۰) به دسته‌بندی خوبی در این زمینه دست یافت. وی مغلطه را شکل غیرمعتبری از استدلال دانسته است. بنابراین می‌شود وقوع مغالطه را در حوزه علم استنتاج در نظر گرفت، به این معنا که شخص با مقدمات یا بدون مقدمات، از راه‌های منطقی یا غیر منطقی، به صورت معتبر یا نامعتبر، بخواهد صدق یا کذب گزاره‌ای را نتیجه بگیرد. در این حالت حتی می‌توان مغلطه را یک باور نادرست تلقی کرد (همان: ۲۳-۲۲). وی در کتابش که اقتباسی از کتاب مغالطات اثر مادسن پیری (Pirie, 1985) و جزوات درسی استادش، مصطفی ملکیان، است؛ به بررسی مغالطه‌های معرفی شده می‌پردازد و با بومی‌سازی تعاریف و

رئیس‌جمهور منتخب ابتدا برنامه‌ی کاری خود در دولت دوازدهم را در مجلس قرائت کرد و ۱۷ وزیر جهت بررسی نمایندگان به مجلس معرفی شدند. طبق قانون، رئیس‌جمهور موظف است طی سه ماه پس از تاریخ ذکرشده، یک وزیر باقی‌مانده را پیشنهاد داده و در طی این مدت برای تصدی وزارتخانه سرپرستی را معلوم نمایند.

پس از ارائه برنامه و قرائت لیست وزرای پیشنهادی، نمایندگان ابتدا به مذاکره در باب مخالفت یا موافقت با برنامه ارائه شده می‌پردازند و سپس همین مذاکرات را در تحلیل و بررسی کفایت هر وزیر پیشنهادی به تفکیک انجام می‌دهند. مجموع مذاکرات صورت گرفته از شروع بررسی‌ها تا شروع فرآیند رای‌گیری، شامل قریب به ۳۵۰ ساعت مذاکره طی ۴ روز کاری در مجلس شورای اسلامی، از تاریخ ۲۴ الی ۲۹ مرداد ۱۳۹۶، بوده‌است. در این میان، توزیع مذاکرات به انواع مخالفین و موافقین برنامه، مخالفین و موافقین وزرا و تذکرهای نمایندگان در دستور کار مورد نظر و همچنین دفاعیات خود وزرا است. اگر مجموع دفاعیات وزرا به ۵۰ ساعت برسد، می‌توان تحلیل‌های پیش رو را بر ۳۰۰ ساعت یا به عبارتی، حدود ۱۸۰۰۰ دقیقه از مذاکرات نمایندگان دانست.

نحوه انجام مذاکرات به این صورت است که هر نماینده برای دفاع از برنامه یا وزیر پیشنهادی مورد نظر یا مخالفت با آن‌ها، در لیست‌هایی که تعیین شده است، نام‌نویسی کرده و سپس به قید قرعه، از میان آن لیست‌ها، افرادی جهت ایراد بیانیه خود انتخاب شده و به پشت تریبون دعوت می‌شوند. روند ادامه کار به این صورت است که ابتدا بیانیه ۲ مخالف و سپس ۲ موافق قرائت می‌شود و هر کدام قریب به ۱۵ دقیقه زمان برای بیانات خود در اختیار دارند. در مواردی مانند بررسی صلاحیت دو وزیر پیشنهادی برای وزارت دادگستری و دفاع‌وپشتیبانی، مخالفی وجود نداشته و عده‌ای باور داشتند که در صورت نبود مخالف، موافقین به همان ترتیب قبلی باید به ایراد سخنرانی خود بپردازند و عده‌ای دیگر به منظور صرفه‌جویی در زمان، ایراد سخنرانی موافقین را در نبود مخالفین قابل چشم‌پوشی و حذف می‌دانستند.

تحلیل داده‌ها

در تحلیل مذاکرات باید توجه کرد که بسیاری از نمایندگان به معنای واقعی به ایراد سخنرانی در مقام مخالف یا موافق نپرداختند و در بیانات خود رویکردی نسبی داشتند که حتی با تذکراتی از سوی رئیس مجلس و سایر نمایندگان نیز مواجه

نباشد، هم در مقام نقد و هم در مقام دفاع از یک مدعا، امکان ارتکاب چنین مغالطاتی وجود دارد.

بنابراین می‌توان انتظار داشت که با بررسی‌های تحلیلی از یک بافت خاص و استخراج داده‌های استدلالی آن، مغالطه‌هایی که برای اقناع مخاطبان در آن به کار رفته است شناسایی شود. نتیجه این بررسی‌ها می‌تواند شفاف‌کننده بستری روانی در رتوریک باشد که چگونه تز و آنتی‌تز، استدلال یا سفسطه در اقناع آن بافت خاص موثر واقع می‌شوند. لزوم این شفاف‌سازی آنجا مهم جلوه می‌کند که سیر عملکردی در تفهیم و اقناع موارد بازتاب داده شده و چنانچه نتایج حاصل از آن درخور و شایسته بافت مذکور نباشد، لزوم بالابردن سطح دریافت و پردازش طرفین یا به عبارتی جامعه درگیر در آن رتوریک عیان می‌شود.

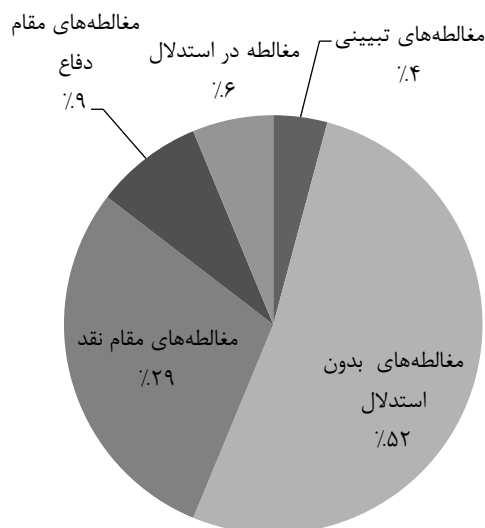
روش پژوهش

مذاکرات علنی مجلس شورای اسلامی، که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، به تذکرهای ارائه شده از سوی نمایندگان، نطق‌های مخالفین و موافقین برنامه ارائه شده رئیس‌جمهور و نطق‌های موافقین و مخالفین برای یک به یک وزرای پیشنهادی کابینه دولت دوازدهم تقسیم‌بندی می‌شود. از آنجا که در چنین بافتی، استدلال‌های برهانی و ریاضی‌گونه جایی برای قدرت‌نمایی ندارند، ناطقین برای اقناع مخاطبان عامدانه یا ناخودآگاه به مواضع دارای ساخت اقناعی یا همان سفسطه، توسل می‌جویند. در اینجا به سنجش این مهم پرداخته می‌شود که در هر دسته از تذکرات، موافقت‌ها و مخالفت‌ها چه سفسطه‌های اقناع‌کننده‌ای جایگزین استدلال‌های استفاده نشده توسط نمایندگان شده و ناطق برای اقناع مخاطبانهمسو با سخنان خود، از کدام دسته کیفی از مغالطه‌ها بهره می‌جوید. در نهایت با این شفاف‌سازی، تعدادی از سفسطه‌های متداول و پرکاربرد در بستر گفتمان مذکور در مجلس شورای اسلامی را که دارای بسامد استفاده در این حوزه هستند معرفی می‌شود.

با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در اردیبهشت ۱۳۹۶، از اقدامات مهم و چشمگیر مجلس دهم، بررسی برنامه پیشنهادی رئیس‌جمهور منتخب و کابینه پیشنهادی ایشان برای دولت دوازدهم بوده است. از تاریخ تفیذ اعتبارنامه بهوسیله مقام رهبری، که برای دولت دوازدهم در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ صورت پذیرفت، این دوره چهارساله ریاست جمهوری نیز آغاز شد. در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۹۶،

ابتدا کلی تذکرها را ایراد شده توسط نمایندگان طی بررسی برنامه رئیس‌جمهور و صلاحیت وزرای پیشنهادی را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

شدند. به همین ترتیب موافقانی نیز بودند که در طی موافقت خود با بیان انتقادهایی به نوعی به مخالفت با موضوع مورد نظر می‌پرداختند.



نمودار ۱. تذکرها طی جلسات بررسی صلاحیت

تذکر و استفاده از هیجانات جمعی و ملی یا مذهبی در تحریک اذهان و به اقتناع رساندن آن‌ها به منظور پذیرفتن بجا بودن تذکر داده‌شده نیز از سایر مواردی بوده که تذکر را همانند ادعایی فاقد استدلال مستدل جلوه‌گر می‌کند. این شیوه طبقه‌بندی تذکرها تنها به تذکرها مطرح شده طی جلسات بررسی صلاحیت وزرا محدود نمی‌شود و بنا به پژوهش‌های فراتر نگارنده، تقریباً به سایر تذکرات خارج از دستور در سایر جلسات سخن نیز قابل تعمیم است. اما درصد گروه سوم یعنی مغالطه مقام نقد نیز در نمودار ۱ قابل توجه است و نشان‌دهنده این مهم بوده که در تذکرات نمایندگان در جلسات بررسی صلاحیت‌ها مغالطه‌های بسیاری از حیث متهم ساختن ناطق به مغالطه‌گویی، مبهم‌گویی و تکذیب موارد است.

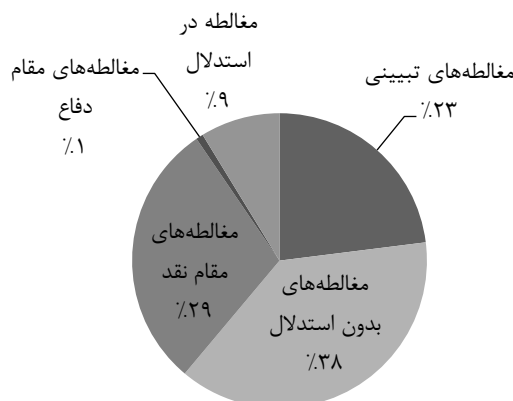
در بررسی برنامه کاری شخص رئیس‌جمهور برای هدایت دولت دوازدهم، ابتدا صحبت‌های مخالفین تحلیل می‌شود. در مقام مخالفت با برنامه، با میزان بالایی از مغالطه‌هایی استفاده شد که در مجموع می‌تواند برای اقتناع ذهن مخاطبان و همراهی آن‌ها در توصیف ناکارآمدی برنامه مفید واقع شود. در تبیین‌های مغالطاتی استفاده از سوره‌های کلی‌نما و واژه‌هایی که حدود مشخصی ندارند، تمسک به

همان‌طور که از درصد گروه‌بندی‌های نمودار ۱ برمی‌آید، بیشینه تعداد مغالطات در این بخش به مغالطه‌های بدون استدلال مربوط می‌شود. در بین این دسته نیز بیش‌ترین داده‌ها به بستن راه استدلال توسط تذکردهنده مربوط می‌شود؛ چرا که در هنگام تذکر، افراد سعی دارند با ارجاعات قانونی به مواد و اصول مندرج در آئین‌نامه داخلی، قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و یا هر مرجع قانونی موثق، راه را برای استدلال‌آوری توسط مخاطبان، به هر شکل ممکن، مسدود کنند؛ یعنی، فرد تذکردهنده از ارجاعات قانونی به عنوان حُسن ختام صحبت خود و فصل غیرقابل تردید در آن بهره گرفته تا راه هر نوع نقد، دفاع و یا استدلال فراتری را سد نماید. در واقع تذکرها مبین نوعی ادعای فاقد استدلال قوی هستند که عمدتاً با بستن راه استدلال نسبت به سایر مخاطبان مطرح می‌شود. کمیت‌گرایی یعنی توسل بیش از اندازه به اعداد و ارقام و درصدها نیز در مرحله بعدی مبین ادعایی فاقد استدلال قیاسی است.

استفاده از کلماتی که دارای بار عاطفی خاص بوده و یا برانگیختن احساسات جمعی از دیگر مواردی است که نمونه‌های قابل توجهی از تذکرات را به خود اختصاص داده‌اند. نسبت دادن صفات خوب و ممدوح به پذیرندگان یک

جملات و شعارهای برنامه و سوال‌های مرکبی که با واژگان عاطفی درآمیخته شده‌اند نیز از مغالطه‌های مقام نقد در مخالفت با برنامه به شمار می‌آیند. نکته‌ی قابل توجه بهره‌گیری از تمثیل و نسبت دادن شباهت‌ها در مقام مخالفت و همچنین احتمال وقوع پیامدهایی در نتیجه‌ی امری در گذشته، که به «مغالطه‌ی قماربازی» شهرت دارد، در هنگام مخالفت با برنامه است.

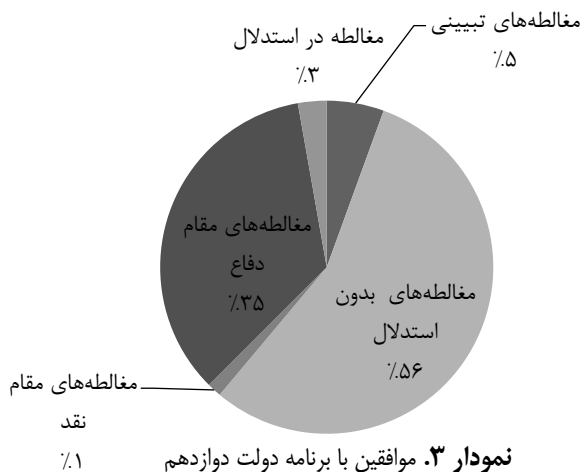
نمودارهایی که نمایانگر بردارهای کاهش است اما توضیحی از چیستی و چرایی آن‌ها بیان نمی‌کند و بیان علت‌های جعلی در رویدادها و وقایع بسیار کلی، از نمونه‌های بارز به شمار می‌روند. اما ابزار مغالطه در ادعاهای فاقد استدلال تنها با نگاه کمیت‌گرایی افراطی و واژگان دارای بار عاطفی و نشانه رفتن هیجانات و احساسات جمعی و ملی، نمودی بسیار واضح داشته است. اتهام به مغالطه‌گویی و مبهم شمردن سخنان و



نمودار ۲. مخالفین با برنامه دولت دوازدهم

شعارهای تبلیغاتی وعده داده شده پافشاری داشته‌اند و مشکلات مورد انتقاد را به شکل ظاهری پذیرفته اما همچنان بر مواضع پیش‌فرض خود تکیه دارند. بهره‌گیری از واژگان مبهمی که حدود مشخصی نداشته و موارد را کیفی توصیف می‌نمایند از موارد قابل توجهی است که موافقین در برابر کمیت‌گرایی رقیب بدان متوسل شده‌اند. نمودار ۲ در مقایسه با نمودار ۳ بالاتر بودن درصد مغالطات مقام دفاع را در برابر مغالطات مقام نقد به‌خوبی نشان می‌دهد.

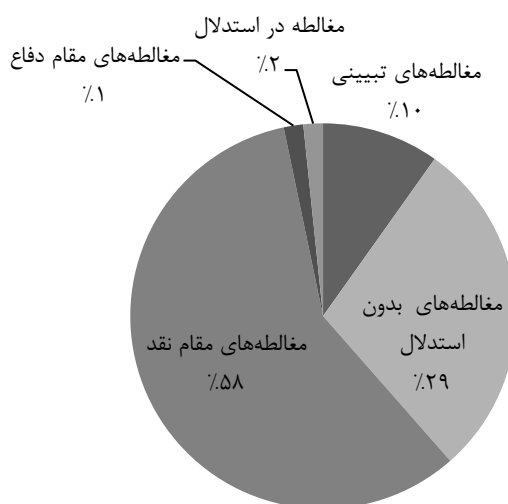
در مقام موافقت با برنامه‌ی دولت دوازدهم، سخنگویان با بزرگ‌نمایی دستاوردهای دولت پیشین، بیان عاطفی و احساسی میزان موثر بودن خدمات ارائه شده‌ی آن دولت و بیانی توأم با آرزواندیشی، برای دولت دوازدهم نیز آرزوی موفقیت در مسیر پیش رو را خواستار شدند که میزان بهره‌برداری از این دسته از ادعاهای فاقد استدلال به نسبت سایر موارد چشمگیر است. همچنین در مقام دفاع در برابر انتقادهای صورت‌گرفته، بیشتر بر حفظ پیش‌فرض‌های اولیه‌ی دولت یعنی حرکت اعتدالی و



نمودار ۳. موافقین با برنامه دولت دوازدهم

توهین و انزجارپراکنی از دیگر مغالطات مقام نقد در مخالفت بوده است. بهانه‌جویی‌های بی‌دلیل، تعمیم‌های نابجا، نقد یک ادعای ساده و (احیاناً) اشتباه به جای استدلال‌آوری در رد ادعای اصلی و برنامه اصلی از دیگر اقدامات منتقدانه در مقام مخالفت بوده است. بسیاری از این مغالطات با سوال‌های پی‌درپی و مرکب همراه شده‌اند. نتیجه این تحلیل در درصد‌های نمودار ۴ به نمایش درآمده است.

مخالفین وزرای پیشنهادی با بزرگ‌نمایی نقاط ضعف برنامه‌های آن‌ها و دادن نسبت‌های کاذب به دلیل انجام مسائل، مغالطاتی را مطرح کردند. در بیان ادعاهایی فاقد استدلال صفات مذمومی به فرد و گروه حمایتی وی نسبت داده شد و با مسموم کردن سرچشمه چاه و توسل به اعداد، به صورت افراطی، در هنگام مخالفت، سعی در اقناع مخاطبان خود داشته‌اند. مبهم شمردن برنامه‌ها و حتی دفاعیات نمایندگان موافق و وارد ساختن هجمه به خود شخص و



نمودار ۴. مخالفین با وزرای پیشنهادی

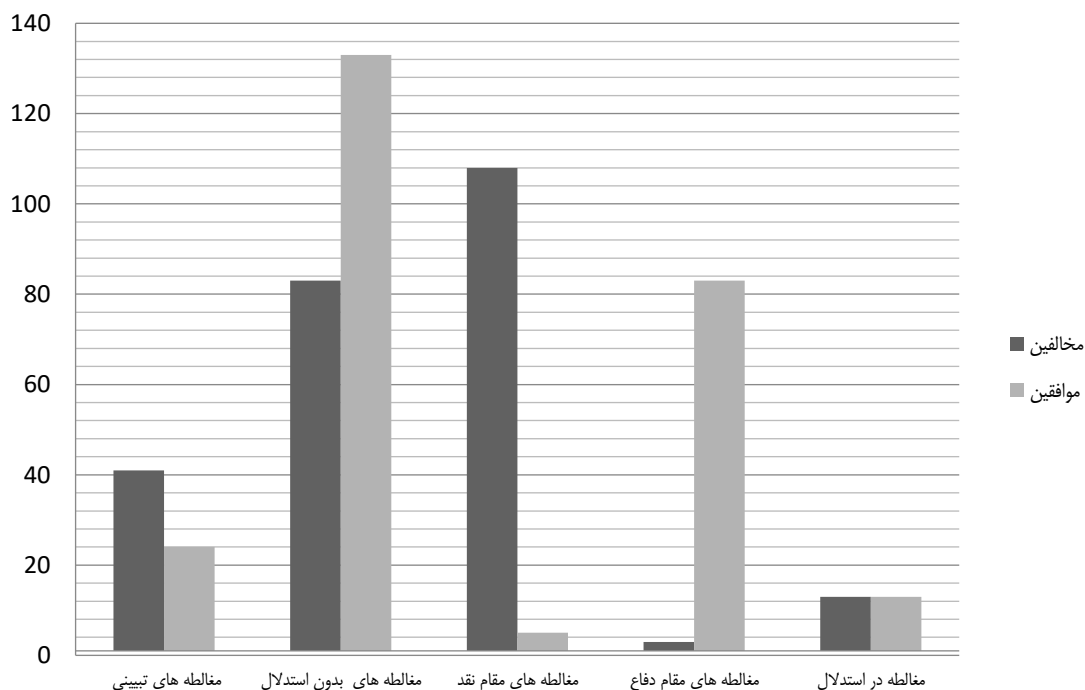
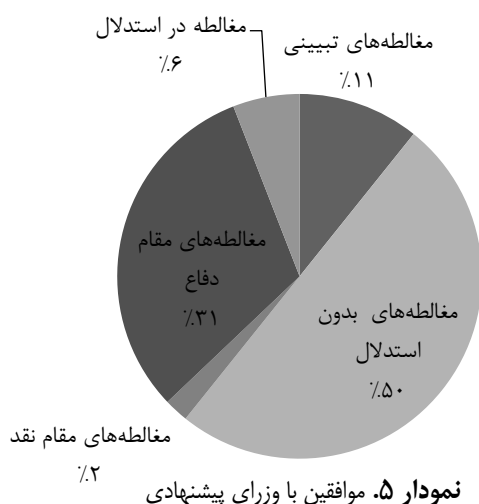
هیجان در افکار موافق، رأی اعتماد آن‌ها را به وزیر مورد نظر تضمین می‌کند. نتیجه این تحلیل نیز در درصد‌های نمودار ۵ به نمایش درآمده است.

در نمودار ۶ مجموع مخالفین و موافقین برنامه یا وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور را با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. تفاوت در دو ستون مغالطات مقام نقد و مغالطات مقام دفاع نسبت به موافق یا مخالف بودن سخنرانی نمایندگان واضح است. همچنین در ستون‌های مغالطه در خود استدلال که شامل مغالطات ربطی و سوری می‌شود تقریباً مخالفین و موافقین به یک میزان برای اقناع مخاطبان از آن بهره برده‌اند. مخالفین به نسبت موافقین از تبیین‌های مغالطاتی میزان بیشتری بهره برده‌اند و این میزان در استفاده از سوره‌های کلی‌نما، علت‌های جعلی، تفسیر نادرست، استفاده نادرست از اصطلاح آماری «متوسط» بدون شفاف‌سازی، کوچک‌نمایی جنبه‌های مثبت و بزرگ‌نمایی جنبه‌های منفی و خسارتی بوده است. در صورتی که در گروه مغالطه‌های بدون استدلال، ستون موافقین از مخالفین بالاتر است که نشان‌دهنده این مهم بوده

در حالی که موافقین برنامه وزراء، همچنان از سوره‌های کلی‌نما و یا حتی واژگان مبهم در بیان دفاع خود استفاده می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که اتهام ابهام از جانب مخالفین چندان بی‌ربط نیست. در برابر رقیبان مخالف که از مسموم کردن سرچشمه چاه و هجمه به شخص برای اقناع مخاطبان بهره می‌جویند، موافقین نیز با تله‌گذاری، نسبت دادن صفات مثبت، برانگیختن احساسات جمعی و یادآوری حقوق اولیه انسانی و عوام‌فریبی سعی در اقناع حاضرین در رأی اعتمادشان به وزیر مورد نظر دارند. پذیرش ظاهری مشکلات، ناچیز خواندن مشکلات احتمالی پیش آمده، قابل چشم‌پوشی بودن آن‌ها و توسل به آرزواندیشی در موفقیت‌های آتی از سایر راهکارهای سخنرانی موافقین شناسایی شده است. در نهایت توسل به یادآوری رأی اکثریت مردم در پای صندوق‌های رأی و اینکه این رأی برخاسته از اعتماد مردم به رئیس‌جمهوری است که همین وزرا را برای کابینه خود پیشنهاد داده است، از مغالطات برجسته سخنرانی‌های موافقین به شمار می‌آید که به نوعی با ایجاد

در اقناع مخاطبان خود دارند. مغالطه فضل‌فروشی و اینکه چون گوینده صاحب کرسی‌های اجرایی خاص است و یا قرابت خاصی با موضوع مورد بررسی دارد، در میان موافقین به مراتب بالاتر از مخالفین بوده است.

که میزان استفاده آن‌ها از ادعاهای فاقد استدلال درست و مستند بیشتر و این ادعاها تنها بر واژگان احساسی و دست گذاشتن بر احساسات و هیجانات ملی-مذهبی استوار است و همچنین با تله‌گذاری‌هایی که با نسبت دادن صفات پسندیده به موافقین و پیروان خط فکری خاص ایجاد می‌شود، سعی



نمودار ۶. مقایسه مخالفین و موافقین در هر پنج گروه از مغالطه‌ها

پیروز میدان باشند، اما چون به هنگام دفاع، از دلایل مستدل و استدلال‌های محکم برای بیانات خود استفاده نمی‌کنند، در بلندمدت هنگامی که شاهد عدم کارایی یا ضعف عملکردی

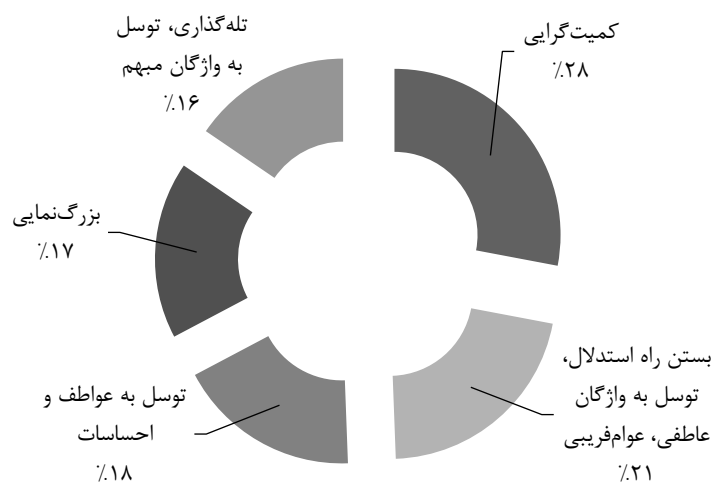
در نمودار ۶ این امر دارای اهمیت است که شاید موافقین با این روش در بازه زمانی کوتاه‌مدت و در اقناع مخاطبان خود در دادن رأی اعتماد به موضوع یا وزیر مورد نظر خود،

بیشترین بسامد تکرار برخوردارند. کمیت‌گرایی، همانطور که بیان شد، استفاده بیش از اندازه از اعداد و ارقام و داده‌های آماری است که نه تنها ادعایی را به‌تنهایی ثابت نمی‌کند بلکه گوینده با بیان اعدادی بزرگ و درصدهایی گمراه‌کننده سعی در اقناع مخاطب در مورد دلخواه خود دارد. این اعداد چه درصدهایی ناچیز باشند چه بزرگ، چه برای مخالفت با امری باشند چه در موافقت، چه برای نشان دادن دستاوردهای مثبت باشند و چه برای نشان دادن میزان خسارات، تا زمانی که طی سخنرانی‌ها و به صورت شفاهی و پشت سرهم بیان می‌شوند و مخاطب زمانی برای تفکر بر روی آن‌ها و پردازش آن‌ها را نداشته باشد، به ابزاربیرای اقناع مخاطب و تاثیر سخنان ناطق تبدیل می‌شوند. پرهیز از استفاده کمی در توصیفات کیفی و پرهیز از به کار بردن درصدهایی شفاف در اموری که دستیابی به اطلاعات آماری و درصدی آن‌ها فرآیندی طولانی و دشوار دارد، باعث می‌شود که توصیفات، برای نشان دادن مقاصد، عینی‌تر باشد و نتیجه امر ملموس‌تر و باورپذیرتر بنماید.

گزینه مورد دفاع خود می‌شوند به راحتی دست از حمایت خود کشیده و تا آن زمان نیز با تدبیر و حمایت‌های استدلالی به یاری نمی‌شتابند. هنگامی که دفاع از یک برنامه یا یک شخصیت وزیر با تهییج و برپایه غلیان احساسی مخاطبان همراه باشد، گرچه اقناع کوتاهمدت را به ارمغان می‌آورد، در بازه زمانی طولانی که با فرازو نشیب‌های عملکردی مواجه می‌شوند و یا احياناً نتیجه مطلوب را از گزینه حمایتی خود نمی‌بینند، خیلی زود این احساسات جایش را به مطالبه‌گری‌های جدی می‌دهد. ناکامی در این مطالبه‌گری‌ها منجر به نارضایتی عمومی و در نهایت برخورد با گزینه یا برنامه مذکور می‌شود. متأسفانه نمونه استیضاح‌های زود هنگام وزرا گواهی بر این امر است. در واقع به هنگام دفاع از آن‌ها حمایت و دفاعی استدلالی صورت نگرفته است که به هنگام بروز مشکل انتظار برخوردی استدلالی در ریشه‌یابی مشکلات و حل و فصل آن‌ها داشته باشیم.

نتیجه‌گیری

نمودار ۷ نشان‌دهنده مغلطه‌هایی است که طی تحلیل مذاکرات مجلس شورای اسلامی، در مجموع موارد، از



نمودار ۷. مغالطاتی که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند

آیین‌نامه داخلی مجلس، قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی از مصادیق آن هستند. گوینده بر آن است که با ارجاع نکته مورد بحث خود به یکی از این قوانین، راه را بر استدلال مخاطبان خود ببندد و حرف خود را ثابت کرده و تاثیر بگذارد. این ارجاعات که اکثراً به شکل تذکر در مجلس بیان می‌شوند به میزان زیادی در اقناع سایر نمایندگان موثرند

بستن راه استدلال از مغلطه‌هایی است که در آن گوینده به جای آوردن دلیلی جدید، از روشی تمسک می‌جوید که جای هرگونه اعتراض و یا نقد و بهانه را از مخاطبان بگیرد و دیگر مجال به استدلال‌آوری رقیبان ندهد. یکی از راه‌های متداول در این زمینه بهره‌گیری از قانون و ارجاع به ماده و بند و تبصره‌های موثق و قابل اجرایی است که به‌ویژه

عوام‌پسند به منظور به دست آوردن رأی نیست. در صورتی که تمامی مذاکرات مجلس شورای اسلامی از مذاکرات برسر طرح و لوایح گرفته تا استیضاح و رأی اعتماد و حتی نطق عمومی نمایندگان، همگی در مرحله‌ی پسانتخابات بوده و نیاز به پشتوانه‌ی استدلالی و کاربردی دارند تا زمینه‌ساز اجرای آن‌ها در بستر جامعه به دست وزرا و مدیران زیردستانشان شود. بنابراین در اموری این چنین، به جای شعار و تحریک اذهنان و افکار، به معنای واقعی و با شواهد مستدل و اقتاعی به همراهی یا عدم همراهی آن‌ها کمک کنیم.

بزرگ‌نمایی دستاوردها و یا خسارات مسیر بررسی و تحلیل امور در جلسات مجلس را از روند طبیعی خود خارج می‌سازد و هرچه امری از میزان طبیعی بودنش کاسته شود، در روند بررسی‌ها مورد اغفال بیشتری واقع می‌شود. چنانچه خواهان رسیدگی واقعی به امور هستیم از کوچک‌نمایی جنبه‌های اثرگذار و بزرگ‌نمایی جنبه‌های حاشیه‌ای امور باید پرهیز کرد.

سیمری، علی (فوق العاده پاییز ۱۳۸۲). مترجم: نقش فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی (ICTs) در تقویت دموکراسی نمایندگی. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد. ش. ۴۰، ۱۸۱ - ۱۹۴.

شجاعی، بهرام. (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). انتقال رویان؛ بررسی قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد. ش. ۶۲، ۱۹۹ - ۲۴۰.

عبداللهی، م. و عمل صالح، ا. (۱۳۹۱). بررسی ساختار استدلال در سه دوره قاجار، بوستان ادب (شعرپژوهی) ش. ۲، ۱۷۴ - ۱۵۱.

مرادی، سید مهدی؛ مقصودی، مجتبی. (پاییز ۱۳۸۴). بخش ویژه (سیاست‌گذاری خارجی): گروه‌های دوستی پارلمانی و نقش آن در سیاست خارجی: مطالعه موردی ایران. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد. ش. ۴۸، ۱۱ - ۴۰.

ویژه، محمدرضا؛ رضایی، آزاد. (تابستان ۱۳۹۲). روش‌های نظارت بر رفتار حرفه‌ای نمایندگان پارلمان؛ با تأکید بر حقوق ایران. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد. ش. ۷۴، ۳۵ - ۷۴.

هاک، سوزان. (۱۳۸۲). فلسفه منطق. (ترجمه سیدمحمدعلی حجتی). قم: کتاب طه.

اما در موارد بسیاری نیز دیده شده است که خوانش اشتباه و یا تفسیر نادرست‌گوینده از قانون مورد نظر و یا ارجاع به قانون و ماده‌ی نادرست، به طور کلی صحبت‌های وی را از مقام صدق خارج می‌سازد. برای جلوگیری از این خوانش‌های اشتباه و اقتصاد زمان در مجلس، پیشنهاد می‌شود که علاوه بر اشراف شخصی نمایندگان به این قوانین دوره‌هایی خارج از جلسات اصلی صحن برای شفاف‌سازی ابهامات و مکان کاربرد این ماده‌قانون‌ها برای نمایندگان برگزار شود.

استفاده از واژگانی که بار احساسی دارند و یا به ایجاد هیجان در میان مردم و افکار عوام منجر می‌شوند، هرچند در ابتدا راهی اقناع‌کننده برای دستیابی به مقاصد ناطق است، نتیجه‌ی بلندمدت پرتبای ندارد. زیرا مجلس و موضوعات جلسات صحن، از هر قسم و جنسی که باشند، مجالی برای شعارپردازی‌های عوام‌فریبانه و پوپولیستی نبوده و نتیجه باید به اموری کاربردی ختم شود. چه بسا بسیاری از مذاکرات کنونی مجلس بی‌شبهت به سخنرانی‌های انتخاباتی با شعارهایی

منابع

باقری، حسن (۱۳۸۶). سیر تحولات قانون‌گذاری در اسلام. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد، ش. ۳۴۸-۵۵، ۳۱۷.

پیش‌قدم، ر. و عطاران، آ. (۱۳۹۴). بررسی کنش‌های گفتاری استدلال در زبان تبلیغات مجلات انگلیسی و فارسی. جستارهای زبانی. ش. ۲۴، ۶۵ - ۴۴.

خندان، علی اصغر (۱۳۸۴). مغالطات. چاپ دوم. قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم.

داوری اردکانی، احمد (زمستان ۱۳۸۲). بررسی رویکرد مجلس شورای اسلامی به بخش آموزش عالی از منظر طرح‌های قانونی. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد. ش. ۴۱، ۲۴۵ - ۲۷۶.

دلاورپور اقدم، مصطفی؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (زمستان ۱۳۹۵) کاستی‌ها و راهکارهای توانمندسازی دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد. دوره ۲۳، ش. ۸۸، ۴۰۷ - ۴۳۶.

راسخ، محمد (فوق العاده پاییز ۱۳۸۲). مطالعه تطبیقی مراکز پژوهشی پارلمان در سطح جهان. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مجلس و راهبرد. ش. ۴۰، ۳۳ - ۹۶.

- Aristotle (1939). *Topoi I* (Translated by E. S. Forster). Loeb Classical Library. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Black, M. (1953). *Critical thinking: An introduction to logic and scientific method* (2nd Ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Burnyeat, M. F. (1994). Enthymeme: Aristotle on the logic of persuasion. In A. Nehamas & D. J. Furley (Eds.). *Aristotle's Rhetoric: Philosophical Essay* (pp.3-53). Princeton, N.J.: Princeton University Press.
- Carney, J.D & Scheer, R.K. (1964). *Fundamentals of logic*. New York: Macmillan.
- Hastings, A.C. (1963). *A reformulation of the modes of reasoning in argumentation*. Ph.D. dissertation. Evanston, Ill: Northwestern University
- Jones, M. (1999). *The presidency in a separated system*. Washington, D.C: Brookings Institution.
- Kienpointner, M. (1992). *Alltagslogik: Struktur und Funktion von Argumentationsmustern*. Stuttgart : Fromman-Holzboo.
- Merkl, P.H. (1998). *Comparing legitimacy and values among advanced democratic countries*. Boulder Col.: Westview Press.
- Mezey, .M. L. (1998) Executive-legislative relations, In: G. T. Kurian (Ed.). *World Encyclopedia of Parliaments & Legislatures*, Vol 2 (pp. 780-786). Washington, D.C.: Congressional Quarterly.
- Perelman, Ch. & Tyteca, L. (1969). *The new rhetoric: A treatise on argumentation*. (Translated by J. Wilkinson & P. Weaver). Notre Dame, Indiana: University of Notre Dame Press.
- Tindale, C. W. (2007). *Fallacies and argument appraisal*. New York: Cambridge University Press.
- van Eemeren, F. H., & Grootendorst, R. (1984). *Speech acts in argumentative discussions: A theoretical model for the analysis of discussions directed towards solving conflicts of opinion*. Cinnaminson, U.S.A.: Foris Publications.
- van Eemeren, F. H. & Grootendorst, R. (1992). *Argumentation, communication, and fallacies: A pragma-dialectical perspective*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- van Eemeren, F. H. & Grootendorst, R. (2004). *A systematic theory of argumentation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Walton, D. (2008). *The three bases for the Enthymeme: A dialogical theory*. *Journal of Applied Logic*, 6, 361-379.
- Walton, D. & Macagno, F. (2015). A classification system for argumentation schemes. *Argument & Computation*, 6(3), 219-245, <http://dx.doi.org/10.1080/19462166.2015.1123772>.
- Warnick, B. (2000). Two systems of invention: The topics in the rhetoric and the new rhetoric. In: A. G. Gross & A. E. Walzer (Eds.). *Rereading Aristotle's Rhetoric* (pp.107-129). Carbondale: Southern Illinois University Press.